

مستن کامل و فاعیات دوستانانماز محله خنق لیرلر

سید محسن

مهدی رضائی

دردا دگاه نظامی

© 2004 Blackwell Publishing Ltd

شکری و شکره و اهدام بین پرستان از معمول ترین حریمهای نظام به سبب شاهنشاهی
اول و از بهر آنکه بان روزگار خان قله در و فرزند خلدی و محمد شاه خان میانه -

رسالة غاي ايلا زكرايا ان الحار جيتين موزان حلقه اشاعه - جانيان و ديعيان
سايان اميد ار امان هيكو نه تكه و غشاطه زان و مردان زنداني ايا نادر و هرجند و
خواجده غاي از مين برسان در حيا متعكر جتور -

[illegible]

پس اگر چه در یاد و خاطر این عزیزان نیز که هم اکنون در دست شهادت - بازتاب جسم
به آتش نامش - با دشمن و کینه خیزند چنانچه علی آرو و شنگار، انقادی اولی علیه "امیرالمسلمین
عجله" - ^{مکتوبه} کینه خیزان و کینه خیزان - هستند پس همانند این: "اعمالی و (در باره) ۱۰

[illegible]

طلی در ایران امروز و در هیچ حکومت خائن پیور دیگری شکجه و اعدام نیست - این حقایق را مردم میدانند و اکنون انتشار سخنان رضائی منت حکمی است بردهاں یا و مریایان مظلوم نیم ناه - "میدی قبل او دادگاهش برای سازمان معاهدین پیام نرسانه که مطمئن باشید که کسی که پانزده روز شکجه و حبسنامه را از سر گرفته اند دیگر حیات نمیکند - - - می خواهم بلای بی رحمی اینجا بیاید که میدانم بعدا شکجه خواهم شد -"

میدی را روزیکه دستگیر کردند یعنی ساعت پنج و نیم عصر تا ۶ صبح عودای آنروز بطور مرتب شکجه کردند تا محل اختلال برادرش را فاش کردند و کی میدی طریقه اختلاخ را این امره این را را تا آخرین لحظه حیانتش حفظ کرد -"

"از حلقه و قایح دلایز انهای که حتی در روزنامه های زیر هر تحت عنوان جمله تنگیبان رضائی از آن نام برده شده است - حلقه میدی یکی از دزدانهای سابقا استیم بود - - - میدی داشت او را حلقه میکرد که دعای از ما و آکیا ریخته و شکجه را با نجات دادند -"

"میدی در طول بازجویی همواره با داشتن بعضی نوشته ها رفتار کرده بود - کتبهائی که بیشتر میدانند می شکست و شکجه میشد و کتبه های بازجویی را باره میکرد و شکجه میشد - - -"

"میدی را بعد از شکجه یکماه در بیمارستان شهرائی بستری کردند تا برای دادگاه بتواند حرکت کند و بعد از این دوره معالجه بود که برای اولین بار به خانه ادعا: اجازه ملاقات دادند -"

منظور از خانواده یعنی مادر و خواهر و برادرش - چون پدر و برادر کوچکتر میدی - - - و دامادشان عبدالصمد صاحبان در زندان بودند - حالت توحه است که پدر و برادر

کوچکتر میدی را حوفا برای دادگاه میدی خیر آزاد کردند و اگر به فکر آکیا در روزنامه ها توحه شود معلوم است که سرآکیا را روز قبل حلقه معمول زندان توانیده ماند -"

میدی را از زندان شهرائی سه آکیا گشتی به دادگاه میاورده اند و میدی را کتبهائی می خوانند و بایستادن را روی سینه او می گذاشتند که گویا او را در زندان است -"

در دادگاه رضائی طریقه ادعای نیم غیر از پدر و برادرش کی میدی - خانه و مادر و خواهر و برادر و چند نفر از مأمورین سازمان امنیت - کسی شرکت نداشت - و مطالبی که بعنوان حذره

ملاحظات داده می‌شود و نامها در دست و پاها می‌باشد. جوینده خبرنگاران هر روز نامه تنظیم و تحویل شده باشد. بدون کم و کاست یا هم یکسان بود و این امر بطور مشخصی نشان می‌داد که تعداد مشخصی که به یک نام می‌شد از طرف سازمان امنیت تقسیم شد. استو نشان می‌داد که تا جمعیت نامی در دست و پاها می‌باشد این احکامات در کتاب می‌نویس و می‌نویسند.

تیمیدی بعد از ده ماه دوم می‌گرفت. حتی خانواده‌ها را ندید و او را به خبر از بین بردند. در صورتیکه معمولاً تا بیست (۲۰) آخرین ملاقات را می‌دهند. تیمیدی را به آمولانس از بیمارستان به بیمارستان تبریز بردند و شوق حیرت‌انگیزی که کاملاً متوجه است او در آنجا شهادت داد. بعد از اتمام گردنه که ساعت ۱۱ به تبریز به راه افتاد و آمدن کرد فایده ۰۰۰۰۰

اما من در خانه می‌ماندم. شهادت حسین بزرگوار را جامعیت خود یکی از استادان از زندان می‌گفت. به زعم شاه می‌باشد. مخصوصاً از این جهت اهمیت پیدا می‌کند که در دست در دوران که تبلیغات مربوط به بزرگداشت از استبداد سلطنتی و ابدی جلوه‌های نظام شاهنشاهی در زمان برگزاری جشن‌های معروف ۲۵۰۰ ساله با وجود خود رسیده بود. تبریز از جمله و افغانی نظام سلطنت بر می‌دارد و متخلفا دربار شاه را به یک از اعضای فساد و پایگاه‌های امپریالیسم در ایران معرفی می‌کند.

در این شهادت حسین و تیمیدی و مقامی مبارزین بسیار دیگری به شهادت رسیدند و هم اکنون که این صفحات زیر چاپ می‌شود حضور مرگ‌خوار خودی دکتر عباس شیبانی را که در گذشته نیز از ده سال از عمرش را بر زندان گذرانده است، تهدید می‌کند. مردم ایران این جنایات و خشایه رژیم شاه را فراموش نمی‌کنند و نمی‌بخشند به حاکمان خلیف غاصب کافر. بخواهد امپریالیسم در ایران ادامه خواهد داشت.

من دافعه محاذ شبهه سبب حسن از بیگانگان سازمان محاذ بین خلق ایران
در دادگاه نظامی

رد صلاحیت

الَّذِينَ آمَنُوا يَتْلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَكْتُلُونَ فِي سَبِيلِ الظَّالِمِينَ يَتْلُونَ أُولَئِكَ

الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا | قرآن، سوره نساء آیه ۷۶

آنکه ایمان آورده در راه حق و راه کمال انسانی بیکار میکند و آنکه حکایت را پیوندا
کوشندگان برادریکاتورها و سنگراشد پیر یاران و دوستان غفایان را یکسید که کید و
حیل آنها نهایتا ضعیف است.

حقی است مابین حق و نا حق که در یک حیطه آن دشمنان خلق مجبور با همین شکست و تسلیم
و در جهت دیگر آن اراده آهنین توده رزمکنندگان دست یمنه است کارگر و دهقان قرار گرفته
است که هر چه بیشتر در انهدام ما میگویند بیشتر در باطلاتی که خود را به دست خود و برای
خوبتر فراهم کرده اند میروند و امروز هم صحنه کوچکی از این برخورد را در یک شعار از
سرمین خود و در این دادگاه شاهدیم. دادگاهی که رئیس و دادیاران و دادستان و
قاضی و طایفه های جزایری حقیقت را تعیین شده را ندارند تا برای آن بزرگوار میسری
باشد که از خون طایفه ستم دیده میروند و از مغز جوانان برای شعلگان زمان فداای دلخواه
شبهه نمایند و سیر برای آنان که از آسمانی اشیاء و سبب دندال طبع خود را بر پیشانی خط ما فرو
وده و ناوگنهای حوال بیکرشان بر لخته هزاران تن مواد خام ما را که دستخوش نم دهشت
بیخط میرسد. در این صحنه در یک طرف میوه جوران ستم و استکبار با همین جبهه
قرار گرفته و در سمت دیگر آن جوانانی که هستی خود را با خلق میوند و در تلاشند که هر
چه بود نردین خود را بیزدایند و گرچه تئاتران و یک شعار این صحنه خبر برادر برادر
است که شما بخور خدمت نظام آورده اید و سلسله بدستار داده اید ولی چشم کشید
دلهای آنها با ما است چه آنها نیز از خلق رزمکنندگان هستند و چشم که در اینجا نیز قانع اهل

مانیم تا و بالاخره این مانیم که رگبار سلسله‌ایان شما را بخاک و خون خواهد کشید و از هر
 بنده خونمان هزاران جوان اسلحه بدست خواهد جوید و تفرهای فرعون و سلطنت و
 ماکنت دیوین شما را درهم خواهد گوید - حرکت تاریخ عالمی ترین گواهاست - بدین
 است که چنین محشی نه دادگاه است تا من صلاحیت آن نخردهم و بعد چنین محشی هدف
 من دفاع است چه تمام اتهامات شما برای ما بیه اعتبار است - ما اصولا سیستم شما را غیر علمی و
 غیر انسانی می‌نامیم - بدین است که دادگاه شما و اعطای دادگاه به هم مدافعان و سر
 سردگان چنین رژیم هستند که هدفی جز تشدید حلق و تشدید استثمار ندارند درحالی
 که هدف ما احداث هرگونه بهره‌کنی انسان از انسان است تا در برنو چنین سیستمی استعداد
 های انسانی هر انسانی را برای رسیدن به کالات عالیتر رهگون باشد - شما ما را بدلیل شورش
 در چنین دادگاهی محاکمه می‌نمایید - شما ما را اشرار می‌نامید - برای یک شیور چیزی جز مایع
 مادی مطرح نیست و بدین است که در سیستم شما دران و غارتگران و آنکه دستپاچان
 بخون ملت افشته است و دستنخ پیوتان و دختر چکان قالیان و شوه کارگران و دهقانان
 را برای عاشی ها و خوشگذرانهای خود بیعنا میرند و در نظامی عدالت و حکومت نشسته
 بدعه جوانان یان و ارجان گذشته را باید اشرار می‌نامید - در نظر شما غیرهقان ملت و از جان
 گذشته‌گی چون شهدای سیاهگل و آریان خط و مجاهدین خلق و ... اشرار محسوب
 می‌شوند و باید در دادگاههای نظامی درسته محاکمه شوند ولی شما و طرفداران سیستم شما
 یعنی دزدان اموال و نامور مردم، آنها که یانکه آریان و سرمایه‌داران خارجی و پشتیبانی
 آنها مردم را می‌جایید و جوانان مردم را زیر شکنجه‌های خفانه خود شکنجه می‌کشند
 تحت و اسلحه و ستر از یاقه منجوشان می‌دارد - ما دین یائی و شرافتمندی شما را در قتل عام
 همه خود داد ۱۲۰ قتل از آن بر سر کور می‌خانها و همین او اخیر در محله کمره کشتار دسته
 جمع کارگران میان جیت بدیم - اگر ما اشراریم کارگران شوید و تو دهستان ایران و آنان که
 خواهد بدین رژیم محوری و اخیر از دست ما مرده - انقلاب حاکم می‌باشد چو شد که اشرار نیستند

بر آئین را جزا بگولاه میبندد، اگر آئینها که برای احقاق حقوق ملت ایران بنا خواستند انشراوند و باید حینتم چایوس شد به باوری ما بران آئینها را نیدید و شکجه نماید، ملت ایران که انشرا نیست بر این پایه محو حکومت ریسی برای چیست؟ بلکه واقع امر ایست که شما انشرا نده ما و این مائیم که قیام کردیم تا سایه شما انشرا و غارتگران سرگشته را از سرطنت کر کنیم و مطمئن که اگر ما سوا نیی چنین هدف قدس است باید برادران کوچکتر ما چنین خواهند کرد و بالاخره شما محکوم بپو الید - معلوم است که شما باید گن انشرا ملاحضات مقام خد مردان گاهی را بخارید و نمیتوانید بکده انقلاب را حاکمه کنید و اصولا چنین معضاتی از پیر نباید بیاید است بلکه واقع این است که شما خودتان برای ما باصلاح دادگاه تشکیل داد باید و وکیل گرفت باید، احکم عابدر میکنید و اجرا میکنید - تنها چیزی که ما از شما انتظار داریم عدالت است و ایمن داریم که ما بین ما و شما فقط سلطه حاکم است و پس - بدین جهت ما باخونغان که بر دهن زمین سالانست شما را پای میر عدالت خواهیم کشید و محکوم خواهیم کرد -

ما قتلوتر نکردیم که شما مجاهدین الجزایر و انقلابیون و پشام و گویا و فدائیان فلسطین را نیز جزو خراکاران و انشرا میباید و ولی شما موقع هم توده مردم با عمل ایمن به بدلان حرف شما میداند و امروز هم چنین است - اگر شما حیرتید و معتقدید که واقعا دادگاههای تشکیل داد باید انشرا حرکت دارید به حدی حسن ادبانه باصلاح داد ستانرا چرا بد خود شما جاب کنید - آقا و افلا حرکت دارید؟ بار بهترین دلیل مردم ایمن به حرقتان ایست که با ایستادگی و جمعیت که اینان میترسید باید از چند نفر محدود از توده مردم را بدادگاههای غیر قضائیان راه ندهید - آقا فردی از ملت ایران جز چند سیرانه ویژه بدست از دادگاه ۲ نفر سواهیکن یا دادگاههای انشرا برادران سواهیکن و آریان حلق اخلاص دارند؟ این چندمین دادگاه مشاهده خلق است؟ فکر میکنم گن خواستار ان و دانشی اولتر و سازمانهای زم انقلابی از آن دانسته باشد و این دلیل هم برای رد این مسئله کافی است که تنها دادگاه شما صلاحیتی ندارد بلکه بر محاکمه ما توسط شما غیر قانونی است و قانونی که یعنی اراده ملت است نه قوانین شما در برابر مردم سوا حاکم تر باشد شما - اگر شما از مردم و از داور مردم حیرتید احتیاجی نبود که دادگاههای پان در روز سوم بره باشد - بلکه شما از مردم گوجه و مارا فریوسید که

محوریت یا استواری و مسلحانه یا مردم برخوردار کنید - این ترسناک معلول چیست ؟ ملت ما در
 پرتو تجربه روشن مبارزات دهه سالهاش برده است که باید حق خود را مسلحانه از قاصبین بگیرد
 و اگر چه حش مسلحانه بالفعل در محیط ما در حالت حوالتی است و آنی بالغه دوران بلوغ آن رسیده
 است - قیامهای مختلف دهقانی و نیز اعتراضات کارگران و روشنفکران و برادران پیشمرگ سیاهل
 نشانه اقبال قدرت شاست - اضافه بر آن امور پیشانیان قوی شما در صحنه جهانی قدرت خود را
 از دست میدهید - امپریالیست حضرت انگلیس با بحرانهای مالی و جنبش حق طلبانه مردم ایرلند
 مواجه است و رزندگان قبرستان جبهه آزادیبخش ملی ویتنام امپریالیست امریکارا در پیچیده ترین گره
 سیاسی و اقتصادی گرفتار شده اند و موج انقلاب فلسطین و کشورهای عربی و انقلاب آمریکای
 لاتین و اتریش همه روشنگر این مسئله اند - در چنین موقعی دادستانها و دادپارهای واقعی
 توبیخا هستند - دادگاههای درسته نمیتوانند محله عدل شناخته شوند - من چنین دادگاههای
 را جز یک صحنه از شرارت رژیم نمیدانم و نیازی هم نیست برای رد آن از قانون استفاده کنم - قانون
 ما آزاده توده است که در اسلحه انقلابی متجلی میشود که نصیب پانیدام شما گرفته است - * و القجر -
 و لیل عشر - و الشفع الوتر - و اللیل الایسر - هار فی ذاللقسم لای حجر - المثر کیف فعل ربکم بعدا -
 ایوب انالعماد - انتی المخلق مثلی فی البلاد - و نمود الله بین جابو الصخری الواد سو قومون دیالو تاد -
 ان ذین شغوا فی البلاد - فاکبرو فیها القصاد - قصص طیبهم ربکم سو طغاب - ان ربکم لیا برصاد * اقران
 سوره حجر ایچهای (۱۱)

* بصیبه هم سوگند - سوگند به شبهای ده گانه - به فرد و جفت سوگند - به شبانگاه کعبه
 میشود سوگند - یا در این سوگند یاس برای خردمند - یا ندیدی پروردگار تو یا غاد جمع کرد ؟
 - یا ای دالنده بناهای رابع - که مانند تر در کشورها بوجود نیامده بود - یا شود که در میان
 وادی صخرهها را میشناختند - و ندیدی که پروردگار تو با غصون چه کرد ؟ - یا آنان که در شهرها
 طغیان و دیکتاتوری کردند - و در آن بخساد و تبیکاری افروز دند - پس خدا تا زمانه طغاب بر آنها
 غرور ریخت - همانا که پروردگار تو در شکنجه است - * ان ربکم لیا برصاد *

د قاضیه

اِنَّ الَّذِيْنَ يَقَاتِلُوْنَ فِيْ سَبِيْلِ اللَّهِ وَفِيْ سَبِيْلِ الرَّحْمٰنِ الَّذِيْ هُوَ الْغَنِيُّ ۖ اَنْ يَّكُوْنُوْا اَمْثَلًا ۙ
 «آنها که ستم دید مانند اجاره و فرمان بیکار داده شد و خدا بر باری آنها همانا توانا تر است»
 ما قلا نشان داده که شما انزویید و شکو و دربان نامی و احوال مردم و بحال سلطنت
 دستبرخ کارگر دهقان و طبقات مختلف احتیاج به جیال و تاراج میدهد - سیستم شما و
 سیستم پادشاهان یوسیدترین سیستم است که عمر تاریخی آن پسر آمده است - در جین
 شرایط «لش در نهایت فشار و سختی در انتظار خلق آفتاب جوید است و اراده ما را جو
 میکند تا یا بعد از یو ثانی محضت ۲۵۰۰ ساله را از کون نماید و در سایه غیبتش سیستم
 شرقی و دموکراتیک ساید تا انبوه ملت بدون تعبیر شقای بر طبق دیگر دوران سازندگی
 خود را شروع کند - فرمان خدا این چنین است و توید آن منظران استعقوا فی الارض
 و جعلیم الوارثین فی الارض - سوره قصص، آیه ۱۶ - اراده ما ایست که بر آنکه تحت فشار
 قرار گرفته اند منت بگذاریم و آنها را پیشوایان خلق و وارثین واقعی جهان قرار دهیم
 نظرها و ایدئولوژیان در شرایط فعلی این بیکار یعنی فیام صلاحه بر طبق سیستم حاکم
 شاهنشاهی و طبقه انسانی هر فرد است و برای هر عنصر آگاه متعل و غنی گاهی سر
 عظیم است -

جوابه انقلاب صلاحه معتقدیم ۲ ما جواب این مسئله را از تاریخ ایران و شرایط جهانی و
 خصوصیت ویژه رژیم حاکم جستجو کردیم - ملت ما در حدود ۷۰ سال بیشتر تحت تأثیر
 انقلابهای روسی و شوروی جهانی و پیداری ملت و تشدید استبداد دست باغلاب عظیم مشروطیت
 زد که هدفهای آن عبارت بود از:

۱ - جو سیستم استبداد

۲ - ایجاد سیستم جدید که حقوق و عدالت اجتماعی را برای ملت پارتیمان مبادرت
 در سایه اراده آهسته سازین مشروطیت و مردان شرقی و غربی جوان سازخان و یارانش و
 بیاری مجاهدین - جنبش در مرحله اول با موفقیت کامل مواجه شد و استبداد را معلوم کرد

قانون اساسی را که نسبت به زمان قانونی بسیار متروقی بود تثبیت کرد - نتیجه حرکت نوده مردم
حاکمیت نمایندگان ملت در مجلس اول و دوم بود - ارتجاعیو استعمار حاکم در برابر چنین
موقفی موضعگیری جدیدی نمود - در مراحل بعدی ابتدا از طریق مجازات و سپس با کودتای
۱۲۱۱ تجاوز مردم شروع شد - رضا خان که یک مریز بسواد ساده بود به سبب آزاری
ارتجاعی باقت - قهر ارتجاعی باقی مانده محسوس خود را نشان داد و تجاوز بحقوق مردم شروع شد
و در اولین قدم قانونی که تحت آزاده ملت بود پایمال و سپس دوره استبداد شروع گردید -
استبدادی که حتی پسر رضا خان هم تأیید میکند - برگشت به استبداد قوی تر اولین نتیجه
کودتای ۱۲۱۱ بود و در پشت پرده انگلستان که نتوانسته بود احمد شاه را وادار به
اطاعت فرار داد تقسیم ایران نماید و علاوه بر آن قدرت و آزاده ملت را در جنگهای خیرسوز
و رشت دیده بود احساس خنجر خدی میکرد - لذا لایق بود که حکومت مرکزی ظاهر قوی
تمام امور را دست گیرد - از طرف دیگر تاثیر انقلاب اکثریرمیرسانه ایران تحلیلی به مبارزات
ایدئولوژی و سازمانی را تقویت نمود - جنبش خیابانی در تبریز و حکومت ۲ ساله میرزا
کوکچ خان جنبش ایران را مرحله به مرحله به عبور شدن سوق میداد - نهضت جنگل از صورت
اولیه خود پیشترنگ پت حکومت انقلابی - چگون گرفت که تا فریب و بابلسر پیشرفت و با آنکه
دسایر انگلیس و بقای نیروهای روسیه تزاری سر به خنجر نهضت زدند ولی تا سال ۱۲۰۰
شکل سازمانی آن که شیدیدی برای بیگانگان و ارتجاع داخلی بشمار میرفت پا برجا بود و
تجزیه دیگری در تهران پیشروانی مرحوم مدرس در حال عبور شدن بود - مجموعه این مسائل
سبب شد که رضا خان در سال ۱۲۰۱ بیادشاهی برسد ولی پادشاهی که پشتوانه آن دولت
بی ولیب انگلستان در ایران بود و اولین اقدام حکومت جدید سرکوبی جنبش و کشتن و
تبعید طیبی بود - مرحوم مدرس دکتر مصدق و قرضی یزدی - قریایان جدیدی برای
جدید و تشدید حاکمیت انگلستان در ایران شدند - در اثر این تجاوز صریح بحقوق ملت
بار دیگر انگیزه های اصلی مشروطیت یعنی مبارزه با استبداد و ایجاد یک سیستم عادلانه زنده
شد و هنوز هم همین انگیزه ها بصورت تکامل یافته ترش انگیزه انقلابی تو دماعت - بدین

جهت معتقدیم که مازید بر طبع استعداد جزو وجود ملت ایران است .
 نتیجه کودتای ۱۳۱۹ و دستاوردهایش برای ملت ایران چیزی جز تشدید استثمار و حاشیت انگلستان
 باریاورد نه بهترین قسمت آنرا بخش زیر خلاصه منظم :
 الف - تولید جنین آزادیخواهان بدست رضاخان .

ب - صلح کردن ارتش و پلیس برای سرکوبی ملت و حفظ منافع خارجی .
 ج - انگلستان که مجبور بود برای محافظت جاهای نفت خالج هکنی بعنوان حق انکسوسه بعنوان
 و افراد محلی منطقه جنوب بپردازد و علاوه امنیت لای را نیز حس نمیکرد لذا لای بود حکومتی
 امنیت را تأمین نماید و حکومت لود تا بهترین خدمت را با تشکیل ارتش صلح خود انجام داد و با
 شاه تهرنگ مصرف و دست کردن منتهای ملی و مدعی تلاش و راست کردن نسل جوان ما کرد .
 چه این نسل در اکثر پیشرفت زمان همواره بزرگترین دشمن دیکتاتورهایست و این سیاست را مخصوصاً
 در شهرستانی نظیر رشت که سابقه انقلابی داشتند توسعه داد .

د - قرارداد نفت ۱۳۲۲ : جهان قرارداد از این قرار بود که شاه وقت در یک ساقفت به جنوب سر
 نفت را میدهد و پس داد و قال گدائی مجلس و نئی زاده شروع میشود . در سالهای بعد وی
 اعلام کرد که او صلح با آزاده بود و خیانت بزرگ را بکردن رضاخان انداخت و توقع مردم تخر
 خود را از شاهانه بصراحت بیان میداشتند . طاعت ملی واقعه ۱۳۲۲ این بود که انگلستان احتیاج
 با افزایش تولید داشت و از طرفی قیمت نفت در بازار جهانی افزایش یافته بود . ایران طبق قرارداد
 داری ۱۶٪ تولید را بعنوان حق مالکیت دریافت میکرد . انگلستان برای آنکه با افزایش قیمت جهانی
 نفت مجبور به پرداخت پول بیشتر با ایران نباشد قرارداد جدیدی را تحصیل کرد باین صورت که ایران
 از هر بشکه ۲۰ سنت دریافت کند بدون اینکه تو جیبی بر سر صعودی قیمت نفت در جهان داشته باشد
 در صورتیکه طبق قرارداد قبلی با افزایش قیمت نفت میبایست برای هر بشکه ۲۵ سنت با ایران میرسد
 و انوقت افزایش قیمت نفت را از شانزده به بیست سنت جشن گرفته بدون اینکه نسبت ها را در نظر
 بگیرد و تبلیغات راه انداختند که به بزرگترین موفقیت تاریخی رسیده اند و علاوه بر این قرارداد داری
 نیز شده شد ولی بعد از شش ماه و بیست که تمام کجنگاریها رو شد معلوم شد که اقبالان

شیور را از سرگشته‌ی مردم -

هـ - ایجاد پشت‌جمعه در ایران برای غریبه‌ی بی‌اتحاد حاکم شوروی و شاه فاشیسم در
چین ما بعنوان ایدئولوژی - کشیدن راجه‌ها بر تاس‌های بی‌ون اینک ساز اقتصاد و نفوس برای
ملت داشته باشد و از همه بیشتر تو بین روحیه سلطنتی و از بین بردن روحیه مقاومت مردم که
علا نتیجه آنرا در شهریور ۴۰ در تجاوز متضین ایران مشاهده کردیم - مافراوش نگردانیم که در جنگ
بین‌الملل اول در جنوب ارتش انگستان برای عبور از منطقه شگشان شدیدترین غریبه را دید - مقاومت
های چریکی جنوب - جنگ بین‌الملل اول و مقاومت توده مردم در هجوم ارتش روسیه تزاری به
شیراز و ارتش‌های بعثت و کردستان نشاندهنده شجاعت واقعی و مقاومت در روحیه ملت ما بود
ولی نتیجه دیکتاتوری بیست ساله این بود که هیچ‌کس برای دفاع از سیستم موجود برای خود و شیقای
قاتل نبود -

شهریور ۴۰ چه بود ؟ جنگ تجاوزکارانه فاشیسم آلمان تحول جدیدی بود که توانی توانی
امپریالیستهای اروپا را بهم زد و بلا حیار مبرمهای وابسته به آنها نیز دچار ترس شد -
دیکتاتوری ایران نیز پشتوانه واقعی خود را از دست داد و چون پایگاه تودمائی نداشته و
بعلا و از نظر امپریالیسم انگلیس و متحدانش در چنین موقع دیکتاتوری نسبی که نارغاشی توده
را برانگیخته بود و سکن بود نواحیه قیامیای تودمائی نبود و نیز دلیل روحیه فاشیستی -
دیکتاتوری حکومت وقت که در فکر هم‌کاری با فاشیسم آلمان بود او را در یک چشم بهم زدن مغلول
و سرخج ارتش‌ها شدند - شاهنشاهی را تل و تخت و تاج بر باد رفت و بلاخره حاکم خلق را
جزیره بورژوازی سرنگ کردند - توده مردم بعزت نارغاشی نه تنها اعتراض نمود بلکه از اینکه سیستم
حکمان سیاسی بخاری و پزنگ احمدی آخرین رت بود احساس خودتجالی میکردند - همان سالها
که امپریالیسم مسلط امیکا امروز با جیانگ ویچو ژن (لائیزو ایا اولی الاچلرا) -
بعد از شهریور ۴۰ دوره ضعف حکومت و بروز تضادهای داخلی ارتجاع حاکم و ضعف امپریالیسم
جهانی که تازه از جنگ بیرون آمده بود باعث شد که ملت ایران برای احقاق حقش بار دیگر

لحم حایده - رنده حشمت دیمکراتیک علی محمد از سپهر - ۶۰ و سوارات - ۲۶ - ۲۰ حشمت دقایق
 قانون اساسی را داشت که آزاد برای دیمکراتیک را احیا حایده و اصلاح اداری دینی بود برای حفظ
 و نگهداری آنچه که ملت ایران به بیان چون معاهدات کس کرده بود - بزرگترین خدایان
 جنوبی حشمت آقای - دکتر حدیق و سایر ملی ایران بود - دکتر حدیق نیز در مرحله نهایی
 بزرگترین متجاوزان به قانون را دربار تشخیص داد که وظیفه همه آن حفظ مانع استعمارگران
 انگلیس بود - وی به عنوان نماینده اول تیران در مجلس چهارده دفاع از حقوق ملت را به عهده
 گرفت - سیاست موازنه منفی حدیق شرقی ترین و بیشترین تر حدیق بود که از ایران و خلق
 ملت و حسین الهام میگرفت - در تر حدیق قطع نمود هر احسی مورد نظر بود و خنثی مرحله‌ای
 اعتقاد به از بین بردن کلیه نمود خارجی را تحقق میبخشد - دکتر حدیق برخلاف سیستم فعلی
 متکی به توده ملت بود - او با آنکه تحت شدیدترین فشارهای بین المللی امپریالیستها قرار
 داشت به دلیل پشتیبانی توده‌های موفق به آوردن چنین خدماتی شد که در تاریخ ۶۰ ساله ایران
 بی نظیر است - حدیق در محاوره‌های مشاورات خود امپریالیستی شد و این اقتضای بود
 که ملت ایران در زمان استوالاتی دکتر حدیق کس کرد - اراده ملت یوزده فوئترین استعمار حاکم
 را بخت مالیه - وی با سیاست موازنه منفی و قطع نمود و دخالت خارجی و اعمال نظریات
 آنها و بستن سفارتخانه انگلیس در ایران و ملی کردن نفت و خلق به از ناخبر ملی نشان داد که
 و قتی ملی اراده کرده است که استقلال و آزادی خود را بدست گیرد ضرورت تاریخ است که
 در اراده وی مشغلی گردد - امروز برای ما بایه اقتضای است که در خارج بر میانه خصم و رهای
 هر ملت ما را با ملت حدیق مبتلاست و جنبشهای مترقیانه منطقه نیز حدیق را محمل جازرات
 ضد امپریالیستی معرفی مینماید - دو سال حکومت ملت تعرفای با روی برای ملت داشت
 اضافه بر ملی کردن نفت و قطع نمود امدادی خارجی و خلق و برچیدن نمود سیاسی بزرگترین
 استعمار حاکم در ایران - ملت به حقیقتهای سیاسی و اقتصادی دیگری نایل آمد - شناسائی خاصین
 صیبه حسنی اسرائیل که با یکاه جدید امپریالیسم و با تحولات صیبه حسنی امپریالیستی در منطقه
 بود برگشته شد - ایجاد تعادل در عادات و واردات برای اولین بار در پنجاه سال

گفته - تضعیف جبهه نودالته بصورت طرح ماده واحد ۲۰ در حد از حقوق ارباب و حذف
بیگانه‌ها در حالیکه جبهه اصلی مبارزه با امپریالیسم انگلیس بود - انگه به توان ارزی بدون
ثقت منظور صرف درآمد نفتی برای صرفه‌امران - تشویق صادرات و رشد اقتصادی بیسابقه
واقعی نه امارهای نقلی و ترقیانی - مبادله پایایی در حالیکه مملکت حتی با کشورهای موسسات
بندرت چنین مبادله‌ای انجام میگیرد و با کشورهای امپریالیست اغلب نسبت آن یک به ده است -
امار صادرات بهترین نمونه است - واردات از آلمان ۲۴۷ و صادرات ۲۱ میلیون دلار -
امریه ۱۱۷ میلیون در برابر ۹۶ / ۹۶ میلیون دلار - انگلیس ۷ / ۱۶۷ میلیون در برابر
۸ / ۸۱ میلیون دلار و بطور کلی انعقاد باین ترجیحت تیب استقلال سیاسی باید به استقلال
اقتصادی منتهی بود - الحاقه بران حدق در دادگاه لاهه موقوف شد نهاد استعمار شوندگان
را بگوثر مردم دنیا برساند - وی تیران داد که امپریالیسم و استعمار انگلیس مالبای دراز
خون ملت را ملیده است و نیز ملت‌ها تنان داد که در همه حال میتوان با وحدت و مبارزه
بر علیه استعمارگران قیام کرد - در کشورهای جهان سوم حق شناخت شدن مبارزات ملت در
احقاق حقوق ملت خود مبارزه پیشروی در منطقه بود که تاثیران خصوصی در کشورهای عربی
مشهود گردید مثل مصر، لبنان و عراق و سیریز و رهای دیگری که از این حرکت ملت‌ها
بی بهره نمانند - گرچه در منطقه جنبش هنوز مراحل بلوغ خود را نگذرانده ولی موفقیت‌های
حاصله بیشتر اینده روشنی است - پیروده نیست که ملت‌ها را در خارج ملت حدق شناختند -
استعمار دران هنگام نزدیکست بوضعتهای برای لغت کردن جنبش خود - استعمار میخواست
حدق را در انظار عمومی شکست دهد و گرنه نیرو حدق مسئله مفتی نبود - جریانات ۲۲ تیر
و ۲۰ تیر سال ۲۱ و نظایران نمودار توطئعهای استعمار انگلیس بود - از ۲۰ تیر سال ۲۱
بعد که کلبه عربهای دمن بدلیل پشتیبانی توده پلاترماند و خصوصی بعد از آنکه
حدق تصمیم به ملی کردن ارتش گرفت - توطئعهای بعدی پس پس از دیگری شروع شد - قتل
انصار طو مرئیس شهبانی در حدق و قلعیه ۱۱ اسفند و تودهای ۲۱ هر یک جریانانی
برای سقوط حکومت ملی دکتور حدق بود - حدق در مرحله بعد که ضرورت

تأیید ملی را احصاء میکرد اقدام به مرزاندن کرد که نتیجه آن بدلیل روشن بودن هدف جیش
 ضد هدف صندق بود و نود و نهم به اتفاق آراء از صندق پشتیبانی کردند و قوانین آخرین
 غنیه امیرالیم را لغت برآورد و حدث امیرالیم امریکا و انگلیس در کودتای ۲۲ گام
 روشن تر ملاحظه شد "آندره تالی" این موافقت را مرزبان و حدث دو میانه میداند
 دکتین آیزنهاور این کودتا را بعنوان نقطه روشن حدی خاص با امیرالیم میداند که باید
 نسبت مناطق امیرالیم در منطقه و خود امریکا در ایران شد "این نخست و بیروقت
 انگلیس در حاضرات خود یادآوری میاید که وقتی غیر صندق حدی من در کنار
 درباری که پرتو ضعیف استوار بود و شبیه آن شد تا بعد از حدی حوا را در
 گودم - نه کم دانی ۹ مرداد برای امیرالیم قریک و انگلیس بر گزین موافقت بود که در
 یکنه از ازل و اوایل تحقیق به یوت و کودتای که رکن اصلی آن حوا امر شاه و همین و
 اهراتیر تعیان میخاها بودند و بعنوان غریبه اولیه فقط به فقره جنگ - امیلیون دلار از
 طرف سقارت امریکا در ایران - حدث گردید تا ضلع چند اعتبار دلاوری اموزی را باید ایالات
 متحد نماید - نتیجه حدثات حکومت که در شرح ریر است که ضلع است با نتیجه دو سال
 حکومت حدی مورد مقایسه قرار گیرد
 نقد قرار داد کسریوم که علامه بر تاجین مناطق گلستان پای کارل های غنی آمریکائی و سایر
 کشورهای غریب را نیز ایران باز کرد و ما امروز شاهد غارت و جیاد آنها هستیم
 و بود بیجان تجاوز بر بعد از و غیره
 حرف در آمد ملی برای غریب اسلحه و مسلح کردن ارتش به مزاج تاجین دلاوران که ما در کشور
 ۱۰۰ هزار نفر جوانین را باید بایم
 تا پس ما و انگلیس و باید که ملی شکوه جوانان ما را بداند گرفته است
 گوشتن و امیای بدووم از عرب و صوبه کردن شد که در دهان غریب با روح های گمشده
 تعاون به حقوق ملت و اتحاد با ملت های به ملت قریب
 تادیب فشار و خفان و گشت و گشت در نور و نور

حکومت دانشگاه در اوایل دهه ۱۳۵۰ -

حکومت به مدرسه همیشه فرستاده و به فرزندین ۱۲ -

دستگیری مروج تقلید حضرت ابی‌طالب حسینی

کنشار خونین یا توهم خردان -

نصوب بصورت فدائی مشاوران نظامی امیکانی (کاپیتو کاسیون) و احضار بودگی و شترگی
ملت و بازگشتن دست پادشاهان میا و یتیمگون، رازیان برای قتل و غارت و جیاوول که تنگ
آوردن قانوی نصوبی محال در در دوران سلطنت پهلوی است -

تبعید ایت الله حسینی به خارج از کشور

طلب آزادی و دستگیریهایی مکرر تشکیل داده گاهی برای فرمایشی و اعدام و زندانی ساختن بسیاری
از مائزین کشور -

بازگشتن دست مرافقه داران و جیاوولگران خارجی و از جمله صهیونیستها جهت قارت و
بهره‌کشی از نیروی انسانی ملت -

تشدید استثمار خارجی و بهره‌کشی مرابضداران داخلی و ایست -

ايجاد محیط خفقان و ترور در سالهای اخیر و قتل ایت الله معینی و مهندسین داد و دیو
کنش و شکسته برادران قهرمان و جازها از گرو، سیاه‌کل و آرمای خلق و ... و به سلسل
بستن کارگران جهان جیت و ... -

و از نظر سیاست خارجی بعنوان نمونه «حالت ایران در جنگ میان امرایان و کجیدن لادائیان
فلسطین - شرکت هواپیماهای ایران در جنگ یونان به پشتیبانی اسرائیل و تعلیم خلبانان و
پرستاران اسرائیلی - در ایران - طرح دسیسه راجع به ایران نقش مهمی را برای پیاده کردن آن
بازی میکند و ...»

اینها نمونه‌های بسیار کوچکی از کارنامه سیاه سلطنت پهلوی است، مثنی از خوارها دسیسه
و توطئه که در پشت پرده انجام می‌گردد و هنوز ملت ایران از آنها اطلاعی ندارد - من برای نمونه
از کارهای شما فقط همین بحث را بطور خلاصه بررسی میکنم -

شیری داشت که برای ارمان آورده بودند و این شیر یوزی یک بزه جیره داشت و یک صدی هم برای او در نظر گرفته شد - بعد از مدتی صدی ملا حقه کرد که ایرادی ندارد که بخداری از گشت بوم را برای مغرود خود بردارد - البته بعد از چند روز روزانه یک بزه را صدی برای خود بومی داشت - مدتی گذشت درباریان دیدند شیر در حال صعیق شدن است و ای چون صدی راه گشروتن را بوم را خود آموخته بود و هم لایق شلخه خداداد - بعد از کمسیون ها خورشید که یک ناظر بوضع شیر معلوم شود - بعد از چند روز شیریان که طعم گوشت نبردند انش بود به ناظر پیشینان همکاری داده و نتیجه اینکه شیر باز لاغرتر شد تا بعد از شدت های متعدد چاره را بر آن دیدند که یک بایوس هم بر شیریان و ناظر اضافه شود - البته که شرم بر داند آن های آقای بایوس هم خوشتر طعم بود و شیر چهاره بختل نزار افتاد و حتی اقامت سلطنت از حق صلاحه شیر طحز ممانده طریقی گفت چاره اینست که ناظر و بایوس را حذف کنید تا از گوشت بوم بوری بداران بیشتر نصیب خست مکنگران شیر نیاشد - انقلاب اداری شد هم چنین است - در مجال پیشروتنی یادآور ای و آید میشدی لائق با پرداخت پول جانی چند راه بجائی بود ولی امروز که در گوید و رهای می شود خوب باید بر دلالان که چنانکه گشت تا آقای مدیونک بعد از هزاران باز و غمزه در ریخته اقدام شود - شویست - برای گرفتن رو بوشند ششنامه بدو و داند ده ریال پول جانی باید در روز خلاف باشی - انقلاب اداری با مصطلاح یک نو سازی بود - ولیم میخواست سر بوط خود با جامعه و گروه های واسطه را از افعال نفوذ بیاورد کند ولی خالق از اینکه پشت سر دزدان جرد دزدان رجز خوانی می کنند - در انقلاب اداری هم همان عوامل افسر ارتش و یارتی بازی تنها کر نشده بلکه ناظران و مشاوران شیران یکباره اقدام مالد - انار و شاه باورن می گفتم حرم چند انبیا بسته شده نام طلق صاحب بار و با و امیرک بهترین بعد از موفقیت انقلاب اداری بود - صیید دهلیا هزار نفر از که بیست شش از حق مشکلات مردم حاضر است - همین چند روز پیش روزنامه هم میستان شیرافتنده باز بر خطان ساخت - مسئول شیر روزنامه حراسان و دمساز شیر روزنامه بونین و هزار دهها هزار نفر ایستند با یک برگه کشید - آیا روزنامه هم بقای محض می کشد یا ماست آ آ یا این که بر دزدان روزنامه شیر جهان فرزند دارد و بطور عامه میزند چرا تا بختل چنین گشت و گشتی براه بنداخته است

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

معلوم است: خانهای خشتی و گلی که معمول - خیال سلطنت پهلوی است - می در برابر
حرکتها و لرزههای شدید زمین نخواهد داشت - در این - خیال ما چندم داشتیم: قیام او
اولیه و معادن و نیروی گاز و اراده دیگرند: ششم: کشاورزی نمی تواند خانهای را که اولین ضرورت
زندگی او است جز با خشت و گلی بسازد - من در اقل دهات ایران یک آجر ندیده ام - در لرزه بولین
زهره در منطقه ای به مساحت صد کیلو متر در صد کیلو متر جزیر خود - بولین زهره بندرت آجر خشت به چشم
میخورد - نکته قیوم کاری این هم از این مورد مستثنی نیست - شش اگر سیست صحیحی داشتند کتاب
چگونه تا مردم از زیر سقفهای گچ و خشت بیرون بیایند و بدون شست زمین لرزه میزدگان - معماران
گفته همراه نجاشی - مشو این مملکتی خوب است بجای افشاد سراج ریختن بقدری خشتی مردم باشند
قتیول میانی در این شرایط بدرد ما میخورد - آیا فقط از تمدن همین یکی را کسر داشتیم که
حکامات مملکتی نگاشته - قتیول سیمانی باشند یا و البیال و فوئیل و نوار سحر که افتتاح و
کنگ خلاصی و نظایر اینها - طرحهایی که برای جشن ها کردند می توانست برای توده عظیم دهقانان
ما خانهای بسازد که نشمار لرزه بر آن کارگر نباشد شکر او را از کرده سربا و کریمه نیز بگذارد -
در مورد سیمانت مسلک ملی بان من فقط به یک نمونه اشاره میام - در جلسه شورای اقتصاد
در پست شاه احمد اول گزارش حدود صفحه ۱۱۶ و نیز آبادانی و مسکن که امیر رئیس دانشگاه
ایران است در مورد خانهای گوی کن صحبت میکند - شاه دستور میدهد از این خانها در
اختیار امیران اینتر قرار دهد - در جلسه بعد و نیز آبادانی و مسکن میگوید در مورد خانهای
گوی کن را مشاوران آمریکائی صحبت شد اعظم کردند ایوانی که دارد امیران می توانند از این خانه
ها استفاده نمایند - ساعت مستقر می یعنی اینکه حتی دستور شاه که خانها فرمانده بود
ارزشانار حسب - دستور برای اجرا باید خانهای مشاوران آمریکائی رسید نمایند - البته همان
مشاورانی که ملاقات و رفتن برای صحبت قیامی آنها آیتالله خمینی و رهبر ملی و مذهبی ملت
ایران را که مدافع مایه بود و معاد بود حضور میزبان و تجوید کردند و میر جنتان بعد از آن
فرموده از آیتالله سعید را با یک لیل آخر - حرمها بگذازد آنها و جهان - شد ایوان در زیر
شکبه نصب کردند - و آنها اگر در مسلک بود و اگر در کمالی شد که در می بودند که

تزدیدی حیثیت خود را هم مستقر است و هم حق! دلیلتش هم حیثیتهای بی حساب هم است.

باید علت اصلی بدبختیهای ملت را در جای دیگر جستجو کرد و ما آنها را در سیستم حاکم و وابسته به امپریالیسم جهانی می‌شناسیم. باید یک مقایسه فنی ما بین - مثال سلطنت پهلوی و - مثال حکومت خلق چین و در مثال حکومت کم‌پا و الحزبیر ما بین نتیجه می‌رسیم که سیستم حکومتی شاه سیاهی پوسیده است که صورت‌های آن نیز سالیهاست سرآمده. مدافعان این سیستم برای زنده نگه داشتن آن بجای طبقات عوامی و تولیدی می‌جورند. امپراتور مراثت پول برای یک جشن صرف کنند تا دفاعی باشد اگر کسی گفته و تدبیر. از سیستم پادشاهی امروز فقط بدلیل پادشاه داشتن رتبه و منزل و مورچه‌ها و ماهیها می‌توان دفاع کرد و گفته هیچ قدر شبیهی آنها نمی‌تواند. شما از کجا میدانید پسر پادشاه هم فرد عاقلی است که تبعیت و اطاعت از او را ضروری میدانید. بدین جهت نظام از سلطنت موروثی در ارتجاعی و دفاعی پوسیده است. مواد ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹ قانون شما از همین دیدگاه از نظر عاجز و است. ملت ایران طبق نیست این فکر ارتجاعی تبعیت نماید. این قوانین اصولاً معلول دوران دیکتاتوری است و برای ملت مورد قبول نباشند. خبرنگار ایضا.

میگفت که هر چه پوسیده است دور انداخته شود. اگر سیستم شاه سیستم مرفعی است چه ترس از تو حمله و تحریک مردم به قیام مسلحانه دارند. مگر در محیطی که حقوق مردم بحق برداشته شود مگر مردم دیوانه‌اند که مسلحه بدست بگیرند. مسلحه برای ما و سیله دفاع از شرافت انسان است. مگر تو وقتی مسلحه بدست می‌گیری که شرافت تو که کار او و حیات او دست تجاوز شود. ما نیز برای دفاع از جان و مال و ناموس مردم مسلحه بدست گرفتاریم. یک‌جده تحصیل کرده و یو تفکر نه ما داریم دارند و نه دزد سرگردانند که مسلحه بدست بگیرند.

مگر برادران سباهک ما بهترین و زیاده‌ترین جوانان جامعه نبودند. شما با تمام تلاش‌ها نتوانستید تربیت بد و عقاید انحرافی را مودی که از نظر اخلاقی و انسانی دارای قابلیت‌های مزایای اخلاقی نباشد پیدا کنید. ما بدینجهت سلاخ بدست گرفتاریم که شرافت اجتماعی جامعه خودمان را بر خطر تهدید در زبان سرگرداننده ندانیم که با دست باز و پشتیبانی امپریالیسم آمریکا با جرم‌های زدی آمده‌اند. شما ما را بجای شرافت نه‌ا که می‌کند. مگر تاریخ

اولین بار است که قضاوت می‌نماید - همه سنگران و تجاوزگران نیروی خود را موارده به شوارت منتسب کرده‌اند - از قلم نوح و اسباب‌آنگو سرانجام به حسین بن علی و جنبشهای شرقی امروزی هستند مورد تبعیت سنگران بوده‌اند - ولی آیا این سپیم شاهنشاهی شامت که دست مزد کارگر و دهقان را به تاراج میرود یا ما ؟ این شما هستید که مردم را به گوله می‌نید یا ما ؟ این شما هستید که نیمه شب پستان را هفتاد سلج به خانه مردم می‌زنید و حیوانات انبار را می‌ربایید و اموالشان را ضبط می‌نمایید یا ما ؟ در کدام قانون قبل از انشاء حجریت افراد اموال انبارها صادره کرده‌اند که شما می‌کنید حکومتی از عطف مانده شیخ نشین ها نیز این چنین با مردم رفتار نمی‌کنند - اگر سپیم شاهنشاهی شما با و علم شوارت می‌چسباند خود شایسته شوارت است و دلیل شوارت آن تجاوز به مال و عامر ملت است - این و طبقه ماست که در مقابل مأمورین سلج شما که مدافعان شوارتند مسلحانه مقاومت نائیم چنین حق نه تنها مورد قبول افکار حقوق بشر است بلکه نص قانون اساسی هم چنین است - پس آقایان ما توجه کنید و اشرار تبسم بلکه این سپیم پادشاهی و حاضر این سپیم هستند که توجه کنند و کسارت را کرده‌اند و هم اوست که شوارت می‌کند و برای این شوارتش بانکها و سرمایه‌ها و کارخانه‌ها با استخدام دارد - این شوارت شماست که دسترنج و حیوان ملت ما را بیع می‌رود - ما اگر سلحه برای احیای شرافت ملی مان خریداری و حل می‌کنیم مجبوریم و گرنه دست توانای کارگر باید چرخ ماشین را بچرخاند و تولید را افزایش دهد - شما با اتهام قاچاقچی می‌جساید - اگر خرید سلحه برای دفاع قاجاقی محسوب شود پس خود شما که باید خرید و فروش شریفین دارید و جندان های هوشین تان را پلیسین ملکی در غریبه‌ها ضبط میکند پس چرا باید اگر قاچاقچی هستید ؟ سلج بودن افتخار ماست زیرا برای تأمین شرافت و بقای ملتی است که حیوانات آنرا کُرد هوشین و ال احمدی که سرنخ آن بیست تسلط و تهدید پابودی می‌کند - آیا سلحه داشتن برای ما که هدفمان دفاع از حقوق مردم است حرم است ولی شرط که این همه سلاح نظامی و مائتوم داشته ۶۰ - هو چیتر و مسلسل می‌خرید بدون اینکه ملت ما بآن رعایت دهد ، شما که از برای ما

را نحو بر کلیاتیهای اسلحه ماران ستاگون می‌دهید و برایگان در اختیار دولت صهیونیستی اسرائیل قرار می‌دهید تا حتماً پیش‌بعد از آموزش در پایگاه در یروشلم به گشت و گشتار برادران فلسطینی ما بپردازند. «حجم نیستید؟ آری» اسلحه شرافت ماست. «ما آنرا به یروشلم چه از طریق قاچاق یا حاکم‌نیزه از دست شما غاصباً خواهیم گرفت و تا زمانی که ملت ما از قید شما و هم‌بیماران شما رسته است ما سلاح خود را زمین نخواهیم گذاشتن و از خود در دور نخواهیم کرد.» تا زمانی که می‌شیر یوسید «سلطنتی حاکم است و استعمارطلبی از عقیقه دیگر وجود ندارد ما را همین جزئیات به مسلسل نداریم.» شما با ما حاضر می‌نمایید. «بله ما برای رفع نیازهای سیاسی خودمان در حین تأمین منابع خلق شما آماده تعاون می‌گردیم و به مادگی آنجا برودن هم می‌پردازیم شما را جعل می‌کردیم تا بعدی که مأمورین متعصب شما نمی‌توانستند تشخیص دهند.» ولی گنیه این افعال ما برای تحولات از قید استعمار شناسد. «اما شما که در یروشلم یکسال ۵۰۰ میلیون تومان یعنی یکدهم موجودی ارزی ایران اسکناس چاپ کرده بودید اینک به شما تعالی داشته باشد حاضر نیستید! اگر جعل ما وسیله‌ای برای رسیدن به هدف و خدمت بوده است، جعل شما شیرجه‌ان یروشلم را می‌کند.» وانی حقیق آمار رسمی تعداد سال ۱۹۸۰ شم می‌باشد تومان پول چاپ می‌کنید بدون آنکه بشمار آنها را داشته باشید و بدین است که در قبال ۵ میلیارد تومان اسکناس در گردن شما از هر واحد پول یکدهم آنرا نذر می‌نمایید زیرا صادره یوشلی تابع قانون اقتصاد یوشلی و کالا یا عرضه کالا و تقاضای پولی است. روشن است که در این صادره بر قیمت واقعی کالا الحاق شده و چه قدر که از محسوسات کالا تا حد است بلکه این ارز یوشلی است که کم شده است به تبعه اینکه با یاتین رفتن قدرت خرید پول و قدرت خرید کارگر نیز تحلیل می‌یابد. «می‌پسندید که شما می‌خواهید امروز واحد پول را تغییر داده و آنرا به تومان تبدیل کنید.» دیگر واحد ریال برای مردم عرضه آنرا شده است و کارگران ۵۰۰ ساله امروز به دست می‌خورند و در خانه می‌نشینند که در آنجا به نام اسم است و در آنجا حاضر آمده‌اند. «ما همین بر پول با چه گشتار می‌کنیم و به نام یروشلم و یروشلم شاهنشاهی» می‌پسندید آنجا ۱۱ این سیستم شاهنشاهی شماست که ملت یروشلم به تعداد شاهنشاهی

می کنند . * ان الطوبی اذا دخلوا قریه المسدودها و جعلوا امره اهلها اذله و كذلك یملون *
 (قرآن سوره نعل آیه ۱۴۶) - پادشاهان چون بشهری بر آید فساد کنند و اختارات آنها را
 نباه سازند ، پس تاریخی آنها چنین است : - تاریخ خودمان بنگرید . - جشن - ۲۵۰۰ ساله
 می گیرند و یاد دوران باستانی و شاهان ، کدام شاه ! شایان بد را پس که جشن نیمه اهد ،
 مگر شایور بزرگترین امپراتور شاه نبود که یکف اسانها را مورخ می کرد . - پادشاه عادلان
 یک شبه / ۱۰۰۰۰ آزاد بخواه را زنده بگور نمود . - مگر فراموش کردیم که قاضی خان قاجار
 گرمان را به شیر کوران تبدیل کرد . - عزت و جیوش پادشاهان تاریخی خود را خوب مشاهده
 کنید .

به بحث اصلی بر میگردیم . - تاریخ نشان داد که ملت ما در این ۵۰۰ ساله اخیر دچار یک
 سیستم یونیده و یکتوری شاهنشاهی شده است و این سیستم برای بقای خونش به دلیل عدم
 پشتیبانی نودها دست به اسلحه برده و با نشان دادن آتش سلاح بر حاکمان و برادران
 ملت - حاکمان در گذرگاههای تاریخی از بارها نعم این صلاحها را - چشمه است و جوع
 این بر خورده ها نشان داده که او سیراهی جزو ملت به اسلحه ندارد . - خنده بستی و ضعیف
 می برده است که سیستم حاکم قدرت حل مسائل او را ندارد بگه عامل اصلی بدبختی او است و در
 روشی تجربه کرده است که دشمن با تمام نیروی ظاهریش جز به برنده خارجی نمیست که دوام
 آن نیز همیشگی میباشد . - معلوم حسن و عیثم ، گویند ، العزیز و غلطنین راه جدید او را نشان
 داده است . - لذا وقتی امید وی در طول تاریخ - سالها - از هر گونه راه انقلابی بریده و مقبوضه
 راه حل صلحانه بفرست میگرد . - امروز نقشه ملت ما بگه تمام جهان سوم در تریب انقلاب
 صلحانه ضد امپریالیستی است . - هدف و دشمن این انقلاب جهانی ، نابودی کامل استعمارگران
 غیر سیستم است که بدوین خلقهای ویتنام ، فلسطین ، الجزایر ، آمریکا و آمریکا را بگم نمیبند
 نظامی و غیر نظامی را یکسان و خانه و مزارعش را بگم نمیبند . - این انقلاب - ما خون
 پاکترین مردمان آدم آبیاری میشود . - ایستکه تحریکای سرنگو خواهد داشت ، این وظیفه ملت
 که خون حاجیزان را برای باروری این نهال پایتقدیم ، نظامی نیز میبند و نیست که ملت ما

انقلابیون را با قوای ترس و وحشت برده و با مادیات استقلال خود را شناختن و تحلیل ترس خود را در خون این جوانان میبستند. این اطاعت که همانطور که گروه پیشرو امروز مرگ را سادگی و جوانی و استعدادهای درخشان را مکتب ما نیز با چنین برخوردی با هر نوع اجتماع عمیقاً نفوذ شده - حلقه‌های - دیدید که اولاً تسلط استبداد بر ما - ثانیاً تسلط بر عده و مستحق و در آن تاریخ خود را نگذاشته و در باطن خود را است و این وسیله‌ای است که با خود را خود را در آن اضمحلال آری تسبیح می‌کنیم - ثالثاً برخورد ما و تسلط برخورد حیات و مرگ است با تسلط باید باقی ماند با ما - و در اصل تسلط جهان و صورت تاریخ - تحت انقلابی خلق پیروز خواهد شد - مرگ با حیات و عزت و پیروزی است - ما با خود را تسلط پیروز را خریدیم " الموت فی حیاتکم " محبوبین و احبهم من موتکم فاعین " از سخنان علی (ع) " مرگ در آنگونه زندگی است که شما مغلوب - تسلط و زندگی - در آن مرگ است که غالب باشید - تسلط هر چه بگوئید و هر نقشه و طرح و توطئه که بپزید موفقیت ما تضمین است - " هل تریمون یا اهل احدى الاحسین کم ان " و نحن نتریمون " بیکم الله بعد ان من خلفا و باید بنا فتریمو اللامعکم مرمون " (قرآن سوره نوبه آیه ۱۰۲) - آیا یزید ما یزید و خمیس / شهادت یا پیروزی / را انتظار دارید - ما نیز منتظریم که طایف از طرف خدا یا بدست ما شهادت / انتظار بکشید که ما هم منتظریم - بلکه ما با گلوله مسلسل هایمان منتظر شماست و شما هم دستو دهیت تا حمله‌تان و شکست گرانتان منتظر ما باشد تا ببینیم که پیروز کیست و دروغگو کی می‌ورکیت ؟

و این چرا انقلاب مسلحانه تنها راه نجات ماست ؟ ما به انقلاب چنگ نه می‌بندیم ؟ از نظر اقتصادی ما معتقدیم که تو معتمد تولید جز با هیچ توده‌ای نمی‌توانی - بدین معنی که تا مردم نیروی واقعی خود را برای تولید استخدام نمی‌کنند حتی گداخته کردن سیستم تولید هم نمی‌تواند یا حتی که از آن جامعه باشد و به علاوه رفع نیاز تولیدی جامعه نمی‌تواند - نیروی واقعی خود را که استعداد و سطح نیروی انسانی و شکوفایی کردن کامل استعداد های او است تحقق بخشد تا جایی که باقی که حالت انسانی را از نظر مادی و معنوی تأمین نماید موجود آید و بشر با شناخت صحیح و تسبیح واقعی جهان و اخلاق جهان توانی باشد که با شکوفایی نیازهای

عالمی ادبیاتی دوست - طی طریق این کمال ناپخته حرکت کمال نود ماست و جستجو حرکتی که
اندیشه انسان آنرا میسازد - چنین پیچ و حرکتی به دو عامل مهم متکی است -
۱- تغییر دیون انسان و خلق روحیه انقلابی بر جای "ای الله لا یخیر" ما بقوم حتی یجئوا
ما یأنسهم" ۱۱ قرآن سوره رعد آیه ۱۱ - حرکت و تغییر در جامعه ممکن نیست مگر اینکه این
تغییر از دیون خود انسانها متناهی گردد - و ایجاد حس مسئولیت در قبال انسانهای دیگر
و نسلهای بعدی - این دو گویای دو رویه نمود خدمت بشریت را که منظور خالق است رتبه میسازد
و بهجت انسان ازیست و انقیاد میدهد و نمود را از یومنه میدخواهد و خود پرستی که امروز حاکم
بر سیستم شاست میزداند و اصل "هر کس برای همه و همه برای هر کس" را تحقق می یابند -
۲- حرکت و پیچ خود باید در جهت حقیقی بوده باشد نه در جهت تأمین مآل غلبه یا
گویای خاص و بر مبادی و غایتی - چه در نظامی صورت حتی خود پیچ شده بیشتر آشکار میگردد -
حال ما تنها راه حل تحقق هر دو اصل را فقط در انقلاب مسلحانه می بینیم زیرا وقتی که
تشنه به جبر و غلبه نیروی دیگر گردد و هکذا را به استخدام خید در می آورند و امکان بهره برداری
از دسترنج کار را به کارگر نمی دهند و وقتی که سیستم سرمایه داری دیوانه با روبرو کشی رنجبران
را بکمر می بندند چهاراد جز این نیست مگر اینکه ما هم با اشعه این در دیان و در روبرو شریا خلق مآل
کنیم و دیگر اینکه منت های یوسیده و آلودگیها و استکباری میرواندانی را فقط با یک حرکت انقلاب
میوان درگون ساخت - تطبیق جامعه انقلابی میواند احتیاطهای اخلاقی را به حساب و احتیاط
خارا به تعالی اخلاقی حل سازد و بالتبع نتیجه نیرازی اقتصاد جامعه را مستحکم نماید -
نتیجه مستقیم است ما از سه دیدگاه به تشریح انقلاب مسلحانه رسیدیم: اولاً نمودهای
تاریخی و تحلیل گذشتهها دوره های مردم و بر نتیجه مآل سازش و تقیصی از یک طرف و تأثیر
انقلابات آردیست و تقیص و به خصوص سرکشتن در ایران از صرف دیگر ملت ما را محض ساخت
که راهی جز توسل با مسلحه نیست -
ثانیاً وقتی کارگر و دهکش برای احقاق حقوق خود در قیام می نماید پلیس و ساواک و جانشینان
ایم را پشت سر میبندد و بهر که شریکیت و وقتی حق و منی نماید گویا مایل بهای امنیتی

بدست حال روم بسیار می‌شکافت - پیرمای از احقاق حقوق قریه اخبار در انیدام روم حتی
میباشد - شورشی‌های کور و قیامهای صغی بدین طریق تبدیل به آشوب انقلابی میشود -
ملت ما در پرتو ۵۰ سال مبارزه و فداانی دادنها این مرحله شگفتی از انقلاب را خیز کرده است
و در نتیجه شجریافته که تا آن هنگام که نیروی رژیم در پشت سر می‌یاداران و سربرندگان
است و تا موقعی که نمایندگان و مدافعین مایع می‌یاداران و سربرندگان امیرالاسم
جهانی سرکردگی آمریکا بروی حکومت می‌نهد ، او نمیتواند از کار خود شریای خود و خلق
خود استفاده نماید و در نهایت جزاین جارهای ندارد که اصلاح بدست گیرد و با پیروان
انقلابیترها شکست شود و آنگاه بنیاد جامعه کهنه را در گزین سازند -

تا آنجا که برای وی کاملاً مشخص میشود - وقتی فکر خود می‌اندیشد آنرا در ترو
استشارگران میباشد - نان خالی مورد نیاز او را توانگران و سرایداران می‌توانند مال
میکنند و حتی سکوی مورد نیاز او را لانه گلهای هماری ترو تمدن آن گویا ترو می‌کند -
نه ، امولا او را از خانه خود بیرون کرده و آواراه شود مانند تا نریتان آنان در جای
و می‌تونی بدوند و بازی کنند - سرده جان و خوشای را یکدیگر مانند تا از پادشاه و رومی
مدهور شوند و مرده کنند - سرایدار و ترو تمدن را در بهترین یلاتها و گاهها به
عیانی می‌بیند و ترو او در اقصای جنوب شورقند انشیا می‌بیند که از غریبه ساد کشیده شده اند -
تیممها در خانه گاههای چند میلیون تومانی شمال شهر و آنکه او نمیتواند اجازه چند
دستواری خود را بپردازد - در مطایع در آید کلان خیابانها ، تانیا خیابانها ، شریه امامیا ،
آریه ها ، فرمان امامیا ، میخیا ، رانیا - - - با فرسای او ، عقل و عکار سر حال و
صاحب خانه و - - - حتی میشود -

بله این چنین است که فقر و بدبختی ، انقلاب را جریات و نتیجه است که می‌بینیم
امروزه شعلهای انقلاب از کشورهای فقیر و از حیات متحده ، احتیاج بر طبقه سرگران و
ترو تمدن در هر گوشه جهان مشتعل است - نودمان گرمه و فقر نیام کرده اند تا سیستم
پوسده را در گزین سازند و جامعه ای بر خیزای براندازی و برابری بنیان گذارند که در آن همه ی

نیاز باشد و همکار برای هرکس کم نیست - و احسان انسان و اعتقاد به انسانیت چشم انداز حرکت وی می باشد - نه نیازمندی باشد تا دست نیاز دیگری بگشاید و نه توانگری بر دستخیز دیگری باشد - تا آن صورت است که ملت ما به ایدئولوژی انقلاب - ایمان آورده است -

* «الذين يظنون انهم ملوا بالله على غير حق قدس» (قرآن - سوره حه آیه ۲۴)

«آنان که گمان می کنند که الله را با خود پر کرده اند و برهان بیگانه داده اند و خدا را بر روی آنها تحقیق توانستند» -

«... سامی» - هرگز جامعه نام انقلاب - در ضمن پیکار اخیر جدا از شهادت شهیدان مبارک ما نبود و بهر حال آمده است و مطمئن که با شهادت سر یاران مبارک ما معاهدین خلق و انقلاب و جامعه ما گرفتار و عجز خواهد شد تا پایه های حکومت دیکتاتوری بنی خود را مستحکم سازد - تا تمام تلاشها و کوششها - بمقابله آن تقدیر آید خواهد شد - * «نسيم کبدی» - «و الله یبک» - «سور الکافرون تسلیم» - «ع» قرآن - سوره جاثی آیات ۱۷ -

- «۱۵» «لعننا اینان بزرگ گریست» - «سیرت» هر چه حاضر - و کن من هم بدانها نیونگ خواهم زد - بر صفت ده گامان را بهشت اندکی -

از نظر اقتصادی زوایا رگیه ناسامانها معلوم است و طبقه های از طبقه دیگر و بهره کشی انسان از انسان است - ما معتقدیم که هیچ چیز در جهان ارزش واقعی ندارد مگر حیات انسانی و انسان حیات خود را در کار تولیدی به کالا منتقل می سازد - بدین معنی بخدای از هستی خود را از دست می دهد و انبوی و هنر تقدیم شود و جوانی و قدرت کارش را میفروشد تا کالا را بخرید و صاحب آن می شود و به خرید از مردم می شود - اینست که تمام ارزشها باضای کار انسانی ارزشمند است و ارزش کالا معادل حیات انسان است که کمال بشر که گشته است - انسان صاحب مالک و چون خریدار است - پس بر حیات خود بیاید تا بر مالک باشد - و بر خلاف شما سرمایه داران که کالا را میفروشند و بجان میفروشند - «ما در هر فتنه تولیدی و وجود حیات انسانی را مشغول میسازد - تا اگر خالق - دستهای خود را بکشاید و صورت پیدا کند و به شکلی بجان میفکند و بی ماده ای تا وجود آن و رنگهای زیبای خون کارگر و دختر چکان را می بینیم - شکوه نگارها از

از دیدگاه مباحث حیات انسانی هستند - بلکه انسان مقداری از وجود و هستی خویش را در ماده خام موجود طبیعت متمرکز میسازد و پیمان اندازه که بازشکلا میافزاید حیات خودش را از دست میدهد - اینست که تولید بشر و کار بشری جزو وجود اوست و هیچ کسرا حلقی بر آن نیست - هیچ وجه قبول نداریم که بهره کار او را دیگری نطفه نماید - "بنا ما یهیم لایکون بخیر انما هم" (از سخنان حضرت علی ع) - عید معنای دست مردم برای دهان های دیگران نیست - این اصل تیرنای عکس اقتصادی ماست که بر مبنای ایده شولوژی اسلامیان و اصالت فرد و اجتماع انرا پایه مبادله صحیح می دانیم و بر این مبنای سیستمی مورد قبول است که امکان استفاده از نیروی کار خود انسان را باستان تصمیم دهد - سیستم شما بدلائل تیرنای سرمایه دارین از این دیدگاه سیستم ارتجاعی است و ما به پیشینیان سلطان مصمم هستیم تا شکل فرهنگی و اقتصادی یعنی رونای شاهنشاهی و تیرنای روابط تولید شما تغییر دهیم - از دیدگاه اقتصادی و روابط فرهنگی و اجتماعی مگر بر همان تیرنای استعاری است - برای دگرگونی فرهنگ و معنویت "و بد بخش ملت جز اینکه بر طبقه استعما گران قیام نرود چاره ای نیست" - بر خلاف سیستم های شما - که نوبت دهانتان بیرونها و دستاوردهای ملت را بیجا میبرند و برای یک تپ تشبیه و جشن میلیارد ها تومان درآمد ملی را صرف می نمایند و نه گرمای - تابستان را میخانند و سرمای زمستان و دشتان خزانگی طلایی افتتاح ساختمان چندین طبقه و تجمعی تواریزی "بزار تولیدی را تسنگرد" است - در سیستم مورد نظرم ما به پیروی از دلها و نوعتعالی ثارخیان ملی را میبیم که با دست بسته پشتاتر برای ارتقای خود به فقر و غل سربردازد - بدست خود جاء میکند و درخت ایاری میخاید - یعنی بالانین فرد جامعه در کار تولیدی نظیر ماده تر نشان فعالیت میکند و در این حال از اینکه در اقصی نقطه حکومتی گرسنه بخوابد آرام و قرار ندارد - با بدلیل تجاوز به سزای یک زن دق که در تحت مسئولیت حکومت ملی است انسان دگرگون میشود که برای خود مرگ را اینو میکند و میگوید - "توان امرا سلما عن بعد هذه القاماکان مطلوب مال کان بعدی جدرا" اگر جوان مرد و سلطان در تقاین مستعمره تقنیا بر او ملامتی نیست که بزرگترین مل او شایسته

من دقت‌های محققان شبهه محققان را نشان

در دادگاه استانی

بسم الله الرحمن الرحيم و ما کم لا تقاضو فی سبیل اللہ المستغنین عن الرجال و النساء

و الولدان الذین یفوتو لو دوننا اخر من هذا علی نظام اهلنا و اهلنا من لدنکم لیا و اجعل لنا

من لدنکم صبرا - (قرآن سوره نساء آیه ۷۴)

"خبرای بیکار و بی‌کسب که در جامعه مورد ستم قرار گرفته‌اند مردان و زنان و کودکان"

کسانی که فریاد می‌زنند "چو در کار ما را از این سرزمین که ما ستم را چو در تحت بند و از بند

خود نجات دادیم و یاوری برای ما نیست؟"

ما پیروزان محض نیستیم و رهبری ملک علی هستیم و همچنانکه او میگوید زندگی می‌کیم

أما و الذی خلقنا الحی و برادرسخه لم یحضرنا العاصم و نیام الجمع و هو الناس و ما لحد
الله علی العلماء لا یقارو اهل کماله - (مجموعه مائت حدیث حاکم بن عیسی و تفسیر ابن کثیر)
اولیا و لا یقارو اهل کماله از حدیثی بر حدیثی - (مجموعه مائت حدیث حاکم بن عیسی و تفسیر ابن کثیر)

اگر خداوند از دانشمندان و دانشمندان را برگزیده بود که هرگز بر سبیل نظام و کسب

ماتن مظلوم و اهل نباشند هر آنچه ریمان و عیار ستم خلافت را برگزیده آن می‌باشد اعم

خدا که خواهد بود و در هر کارزاری که خواهد بود و حاصل بار ستم و گمراهی هر خاتم و

فاسق شود - همچنانکه در گذشته کردیم اکنون نیز خلافت را و اگر گمانیم که همیشه باید

این دنیای فاسق از من خرد شود و یا از دست راست من بماند

من در خانه ادعای عدلی می‌کنم و در بیستم رساله‌ای بود و از کلمات آیات انقلابی قرآن

در گوشت نم زوده شد - از زمانی که خود را شایسته تحت تأثیر و تربیت برادر شهید احمد گنه

دانش و سببی در جمعهای اجتماعی و سیاسی و هم چنین شایسته فراوانی در مورد جهان بینی

انقلابی اسلام و قرآن و سبب تبلیغ داشت پرونده‌ای گشود - برادر شهید احمد بنی -

از دیدگاه مباحث حیات انسانی هستند - بلکه انسان مقداری از وجود و هستی خویش را در ماده خام موجود طبیعت متمرکز میسازد و پیمان اندازه که بازشکلا میافزاید حیات خودش را از دست میدهد - اینست که تولید بشر و کار بشری جزو وجود اوست و هیچ کسرا حلقی بر آن نیست - هیچ وجه قبول نداریم که بهره کار او را دیگری نطفه نماید - "بنا ما یهیم لایکون بغير انما هم" (از سخنان حضرت علی ع) - عید معنای دست مردم برای دهان های دیگران نیست - این اصل تیرنای عکس اقتصادی ماست که بر مبنای ایده شولوژی اسلامیان و اصالت فرد و اجتماع انرا پایه مبادله صحیح میدانیم و بر این مبنای سیستمی مورد قبول است که امکان استفاده از نیروی کار خود انسان را باستان تصمیم دهد - سیستم شما بدلائل تیرنای سرمایه داریش از این دیدگاه سیستم ارتجاعی است و ما به پیشینیان سلطان مصمم هستیم تا شکل فرهنگی و اقتصادی یعنی رونای شاهنشاهی و تیرنای روابط تولیدش را تغییر دهیم - از دیدگاه اقتصادی و روابط فرهنگی و اجتماعی مکرر بر همان تیرنای استعاری است - برای دگرگونی فرهنگ و معنویت "و بد بخش ملت جز اینکه بر طبقه استعما گران قیام نرود چاره ای نیست" - بر خلاف سیستم های شما - که نوبت دهانتان بیرونها و دستاوردهای ملت را بیجا میبرند و برای یک تپ نشینی و جشن میلیارد ها تومان درآمد ملی را صرف می نمایند و نه گرمای - تابستان را میخانند و سرمای زمستان و دشتان خزانگی طلایی افتتاح ساختمان چندین طبقه و تجمعی تواریزی و "بزار تولیدی را تسنگرد" است - در سیستم مورد نظرم ما به پیروی از دلها و نوعتعالی ثارخیان ملی را میبینیم که با دست بسته پشتاتر برای ارتقای خود به فقر و غل مرتدازد - بدست خود چاه میکند و درخت آبجاری میخاند - یعنی بالانین فرد جامعه د ر کار تولیدی نظیر ماده تر نشان فعالیت میکند و در همین حال از اینکه در انصی نقطه حکومتش مردی گرسنه بخوابد آرام و قرار ندارد - با بدلیل تجاوز به سزای یک زن دق که در تحت مسئولیت حکومت ملی است انسان دگرگون میشود که برای خود مرگ را اینو میکند و میگوید - "توان امرا سلما عن بعد هذا القامکان مطلوبی لایکون عدی جدرا" اگر جوانمرد و سلطان در تقابلی مستعمر و تحتیا بر او ملامتی نیست یک نفر بدترین عمل او شایسته

است - آری حکومت انسان به انسان چنین است - آنکه فرد انسان را نمی شناسد ثابت نیست که در جامعه انسانی بیزد^{ناتجید} - مکتب^{زیرله زده} یا آنکه روز در مناطق فیروزگان^{زیرله زده} سریده هند و لی همان شب با لباسهای یروزق و یروز هنریشهها در حالیکه سرشار از مسمی و مغرور و از قدرتند در مشیوالهای سینائی بهمانی مشغولند - طی در تاریخ تنها بود و شما که نمی توانید طی باشید - بلکه این چنین است و حمیت طی در تاریخ یزوی نامدار است و لی فکر طی و سیستم طی یعنی قیام بر علیه ظلم و احقان و ایجاد وحدت و برابری برای بشر امروز نسبتاً بیگانه نیست بلکه نهایت آمال و آرزوی اوست - جهان امروز در اقصی نقاطش تحقق افکار بلند طی را یوید میدهد - اگر در چین با انقلاب فرهنگی سرست^{ناتجید} ماگر جامعه کو با «ویشام و نهضت» از پست^{ناتجید} رست بغداد و حدان و اخلاق یسو عثمانی و انور پشویوند و اگر فداکاری انسان برای انسان امروز حماسه تاریخ قرن بیستم را محور میبازد ما بر قله تاریخ ماند یسه طی را محقق می بینیم -

آری برای نیل بحزین هدعی قیام کرد مایم - قیام کرد مایم تا جهانی بسازیم که هرگونه بهره کشی انسان از انسان را نابود سازد - این هدف گان و نیان نیستند - ایران ، فلسطین ، ویشام ، آمریکای لاتین ، آفریقا هر جا که باشد ما روز با فرداه هر زبان و هر نقطه ای که خون ما بر زمین بریزد آمال و آرزوهایمان باور شده است - برای ما در کار فداکاریان فلسطین ، رزندگان ویشام ، برادران سیاهکنی - میدان شیر چیگر یک معنی بیشتر ندارد و برای تحقق چنین هدعی در جامعه عال بدستی برخا وادیم که این دشمن در فتنه های امپریالیسم امریکا ، طبقه حاکم سرمایه در گمباز و در ایران ، سیستم پلیسی - اداری - نظامی و شاهنشاهی و دیار تحلی جنابید که مسلح به تکبک و السلحه است - حیات و مرگ ما و تنه متضاد هدف یگزند ما براد استقام این دشمن از ساوان گرفته تا سیستم اداری و شخص اولش جوییم به مسلسل هایمان آنکه عالم یزوا شکر و استعاره گر مسلح را فقط با سلاح میتوان تسلیم کرد - راهی که ملت ما پیموده صرفاً از انقلاب مسلحانه اوست - ما - آزادی سبکین در پیشرو داریم - آزادی برادران و اختاری می گیم که با تاریخان یزوا شکر ساده با سیم که سیم یز

کوجک از این وظیفه مهم را به عهده گرفتیم و با خون نوجویان جوانه انقلاب را بارور ساختیم.

واقعیت و پیروزی از آن ماست .

زنده و پیروز باد انقلاب سلحشور ملت ما !

درود بر جوان پاک شهیدان نیست طی . !

تنگه بردستان ملت !

"فاما الزید فیه حب جفا" و اما ما بنفع الناس میبخشیم " ۱ قرآن سوره رعد آیه ۱۷۷ . د کف

روی آب از میان می رود ولی آنچه که بقیع مردم است در زمین باقی می ماند .

۱۱ پایان ۱۱



مجاهد کبیر، مدیر رسانی در تهران
و از گروه عظیمی

با دانش و وسیع و ایمان خلل ناپذیرش همین خوبی برای من باشد که و اتمام هم بود . بنوعیه او محالمان را در زمینه های اسلامی و هم چنین اجتماعی و سیاسی ترویج کردم و از دانش و شخصیت او آموزش های زیادی می دیدم .

هنگامیکه در اول شهریورماه ۱۳۵۰ هجری از انقلابیون از سازمان مجاهدین خلق ایران در اثر اشتباه یکی از افراد در تماس با یک عنصر ساواکی شناخته و دستگیر شدند رضا و دامادمان مهین در عهد الصند ساجدیان نیز جزو دستگیرشدگان بودند . یکماه بعد برادر ۱۸ ساله ام ابو القاسم در حالیکه هیچگونه اطلاعی از فعالیت تشکیلاتی ما نداشت بعنوان کویکان و انتظام از طرف ساواک دستگیر و زندانی و شکنجه شد . من در این هنگام منزل و دانشگاه را ترک کردم و به قوف مجاهدین پیوستم . در اوایل اطلاعات سیاسی و اجتماعی من کافی نبود و خبر بحثها و محالمانی که با برادران مجاهد داشتم با اهداف انقلابی و انسانی آنها آشنا نشدم . در ابتدا اطلاعی اجاره کردم و بهشایی در آنجا زندگی میکردم . ماهه برادر یعنی احمد - رضا و من همواره در طول فعالیت حقی خود جدا از هم و در گروهای مختلف سازمان مجاهدین فعالیت میکردم و با هم ارتباط نداشتیم . در اوایل آذرماه برادر مجاهد رضا که از اعضای کمیته مرکزی سازمان مجاهدین بود توانست از زندان اوین بگریزد . این موضوع که خشم ساواک را برانگیخته بود باعث شد که بفر ۶۰ ساله من را دستگیر و مدت هفت ماه زندانی کردند . و باین ترتیب خانواده ما که پنج تن از اعضايش را از دست داده بودند بی سرپرست شد و مادر و قهرمانم سرپرستی چهار خواهر و همچنین ادامه زندگی را بهعهده گرفت . در بهمن ماه سال ۱۳۵۰ طی زرد خوردی که بین ما و برادران و برادر احمد صورت گرفت احمد شهادت رسید . بعد از شهادت برادر مجاهد احمد شخص دیگری بنام حسین رابط من با تشکیلات بود . من هنوز آموزش میدادم و در عملیات شرکت نداشتم و فقط بعد از چند ماه کم کم در عملیاتی که از جانب خود و دیگران مدارک داده میشد شرکت میکردم . موج ترویج کشتاری که ساوانو شوربانی علیه انقلابیون برآورد انداخته بود باعث میشد که ما برای دفاع از خود و آرمانمان مسلح باشیم . هدف ما ابتدا تبلیغ سلاحه بود و با وضعیتی که رژیم فراهم آورده بود و موج ترور و خفگی که ایجاد کرده بود

و هرگونه خواست عادلانه و شایسته کارگران و دهقانان را با تسلط و گونه خون می‌کشد
 تا جوامعی از تمرکز سلطه طبه پلوس و کارگران نه‌اشتم - تمرکز شود - ما بود - می‌توان
 اگر به تدریج کنترل ما است - ما هم برای دفاع از جوامعی از مقاومت سلطه طبه پلوس - هنگامی که
 بیرون از زندان بودیم - طبه پلوس از جانب ما صورت گرفت - بگو از این طبه پلوس - انتقام جلد این هفته
 بود - کو صبر می‌کردیم - در مورد انتقام جلد این هفته - این جلد که با انتشار تمام ویرانه‌های
 یک هدف و فحشه استعماری را دنبال میکرد و باین ترتیب جلدانه در قفس کردن جوانان معصوم
 و ضعیف‌تر می‌کرد - چندین بار از طرف ما و دیگران تهدید - چون داری از این کار شد - ولی
 می‌دان آن که خود از حمایت دولت و دستگاه‌های مسئول برخوردار بودند و طبه پلوس با هدف
 های استعماری که دنبال میکرد - حمایت بود - بگو خود تر نشدند - نو سعه میداد - وقتی
 که بارها تذکر داده بودیم و صبر داشتیم - بجا نمی‌آمد - این عمل مورد تأیید همه کسانی قرار گرفت
 که از هدف‌های ضد انسانی و استعماری این نوع جلدان که هدفی جز انتقام فساد و عجزی در
 بین جوانان مبین ما ندارند - اخراج داشتند - هدف اصلی این نوع جلدان فساد کردن جوانان
 و دور با حق آنها از فکر کردن به مسائل انسانی و درد های جامعه می‌باشد - فساد کردن
 چنین سلی خواست امپریالیسم و خواست و بی‌ایستگاری این نوع اقدامات حمایت میکند - این
 ها نشان می‌دهد که تا چه حد اداهای دستگاه‌های تبلیغاتی که ما را تا سلطان و خود را سلطان
 و حامی اسلام و ملت‌ها می‌دانند - دروغ و حقه گزانه است - در انتقام جلد الهه من در حالتی
 داشتم و بعد توجه کردم که پنج نفر از کارگران و جوانان جلد خروج شده‌اند - با اینکه
 ایران و کارگران جلد هم از طرف افرادی خاص و مستحق محاربات بودند - چون هر یک در
 تنظیم جلد صبر داشتند - ولی سعی ما بر این بود که زمان عمل طوری انتخاب شود که بزرگ
 حسارتی وارد نشاید - حتی در صورت آنکه کارگران جلد هم آسیب نبینند بلکه تنها دفتر جلد
 محمر شود - همین دلیل تصمیم بر این شده بود که با تلقین کارگران دفتر جلد را از وجود
 آگاه کنند تا آنها را تخلیه نمایند - ولی بعضی خراب بودن تلقین توانا شدیم تا می‌گیریم و بعد متعجب
 شدیم کارگران جلد هم زخمی شدند - موضوعی که ما در کتب طبه پلوس - بعنوان اصل قبول کرده‌ایم

جلو گیرد از خسارت مردم است و همین دلیل کبیبه طبقاتی که انجام شده در سامانی صورت گرفته که کسی در محل نبوده است مثلاً ۱/۵ صبح و یا ساعت آخر شب - در مورد این انفجار هم پیش بینی های لازم شده بود مثلاً تصمیم بر این شده بود که بعد از مدت کوتاهی در محل کار گذاشته شود که در موقع نگرانی تیشه های بزرگ ساختن بوی مردمی که در کوچه رفت و آمد می کنند نیزند و این موضوع رعایت شد - ما هرگز قصد ناراحت کردن مردم را نداریم - اگر در مواردی اتفاقات غیر قابل پیش بینی صورت بگیرد چاره ای نیست ولی طریقه تمام اینها گروه عمل کننده در مجله این هفته مورد انتقاد کمیته مرکزی قرار گرفت که چرا پیش بینی های لازم را در مورد تخمین کردن بعمل نیاورده بودند در جریان انفجار یا سگ و اهنگانی سرچشمه من یعنی را که دست ساز بود و حقیقه در کار یا سگ کار گذاشته و دورتر از یا سگ منتظر ایستادم تا از نتیجه اش مطلع شوم - در این موقع ظاهراً که کار یا سگ نشست و با ما شروع به رفتن کرد و چون تمهید است به است انرا برداشت تا به یا سگ اطلاع دهیم من در این هنگام ناراحت شدم فکر کردم اگر به درد دست ظایر حاضر شود یا مجروح و یا مبتلایم می شد - قیافه زن و فرزندان این مرد بیگانه در نظرم محسوس شد و با وجود آگاهی به خطرات و محاسنی که بوی در برداشت تصمیم گرفتم که مانع از انفجار به شوم ولی هر که تمهید است که این به است نا آگاهانه سم های بسیار را قطع کرده بود - انشب از شدت عذرخواهییم - هنگامی که در زندان بودم از شنیدن خبر مادر و دختری که در هنگام انفجار ماشین حامل زنرال را می کشید شده بودند ساعتاً گریستم بعداً معلوم شد که این مادر و دختر هدف گلوله های مسلسل محافظین زنرال که تصور میکردند انقلابیون یا سرکردن چادر زنانه قصد استتار و فرار دارند - قرار گرفتند و به شهادت رسیدند - زخم با و آویزه جلوگیری از حقایق در این قضیه قصد می آید کردن و نیت زدن به انقلابیون را داشته است - من شخصا با هرگونه اقدامی که به ضرر مردم باشد مخالفم و مردم رضا و رأی هم حسین و بطور کلی همه افراد سازمان همین عقیده را داشته اند - اگر احتمالاً در مواردی اتفاقی رخ داده است که مردم ضرر رسیده این متوجه می تجربی و یا سبب انگاری ولی در اکثر مواقع اتفاقاتی بوده است که تعجب پیش بینی کرد -

من اکنون با حلقه ریش و ادگه از داندستان سوالانی دارم که چنین میگم: «آقای داندستان شایسته
 هم زیاده از جوانان انقلابی و پانگه^ش برای داندگاه محاکمه شده اند که مدعی را به حیره های
 جوانان و مدعی را در حیره میدان تیرگود نماید. هر از شما میروم آیا هرگز از خود بپرسید مایه
 چرا این جوانان انقلابی دست باطله برده اند؟ یا برای میتوان از من قبل از هر چیز این سوال
 شود که چگونه و اشخاصی تیر من از مبارزه چیست؟ و اصولا انگیزه ای که مولویک ما کدام است
 باشد خود شما جوانانی که تاکنون محاکمه و باسلاح محکوم شده اند از نخستین افراد این
 حاکم بوده و هستند و احترام مواجهری چیزی کم نداشته اند من میگویم نه شمل نه پول و
 نه مقام و نه انو مجید و رنگی حرفه نمیتواند ما را قید دهند ما هیچ کدام از اینها دلیستی
 نداریم زیرا قضا میگوئیم دارای همه اینها باشیم و بود نام. داندستان در مورد ما گفت که ما
 دارای طایفه هستیم، مخالفی خانوادگی را گشته و ترک خانوادگی را کرده ایم. آیا محور یکدیگر
 طایفه نداریم؟ باید بگویم که ما نه با به خانواده مدعی و اگر خود علامتیم بلکه به خلق ستر
 ندیده ایم و خلق میرویم. کم چشیدن ناراحتی و روح ستمدگان برایمان قابل تحمل نیست از
 شماها که درد ادگه حضور دارید میروم نه از داندستان و آیا وقتی که میشوند در بر برای چند
 درجه زیر داندستان شخصی در مرکز یا تحت یعنی خلبان مولوی و میدان گمرک - از شدت سرما
 یخ میزند و با از گرسنگی با وضعی میروم در آفرینست؟ آیا وقتی که از داندستان و بلو دستان
 میشوند که دست نه دست مردم فقیر و گرسنه برای سیر کردن شکمهای گرسنه خود ترک خانه و خانواده
 خود را میکنند چون مدعی شما مولود؟ یا برایان رزقه خرامان ماقت نامد نیست؟ در دست است
 که رزقه حادثهای نسبی است و ممکن است در هر کجای دنیا هم اتفاق بیافتد ولی بیستم که مسئولان
 چگونگی با این مسئله بر موزد کرده اند. او؟ بستمید هرگز که از این طایفه بدین گرفته خرابیهای
 فراوان باعث قهر و غم و خرابی خانه های خشت و گلی بوده است و در تمام این منطقه خانه
 آجری و جود نداشته است. تازه وقتی که رزقه خرابی بار آورده مسئولین چه کردند؟ مسئولین
 راه اطاعت و رفتن و سروست آینه خرابی چنان با صوف بود صفای گران برای خودشان و مائل
 راحت و آسایش بر پا کردند و چنان حید و جلی بر آه افکند که شاید در خانه های شخصی

خودشان این همه حیف و میل نمیکند - مردم از نان شب خودشان بداند و برای کشت برشته
 زندگان شتافتند و لی کسی این مردم را به آنجا راه نداد .

اگرچه در ادگاه باید با احتیاط و مراقبت که همه این کتکها با آسیب بدمان رسیده است و اینها
 را از خود نمیگویم برادر شهید احمد که بعنوان کارشناس سازمان برنامه برای رسیدگی به امور
 کتک با آسیب دیدگان کاخ (خراسان) رفته بود میگفت : در حالیکه جمع مردم زلزله زده به
 طرز اسفناکی بودند مسئولین امر بهترین زندگی و معاشیه و شب نصیبها را تشکیل میدادند .
 (احمد شهید در هیچ کدام از اینها شرکت نکرد و شب را با زلزله زدگان در جادر بسر میبرد)
 شریکهای خارجی بودند که در کاخ حرف میشد - مردم زلزله زده از گرسنگی رنج میبردند - غذاهای
 زیادی صرفههایی که برای این مسئولین پهن میشد همه دور ریخته میشد - برای دیدار یکساعت
 فرخ از این منطقه ۲۴ ساعته مستراح عمومی ساختند - برق کشیدند - از شنبه صبح میرقد اخواری
 حبیبی - گنجی و ... وارد کردند لوله کشی سوله بندی کردند - همه اینها برای همان یکساعت
 بود و بعد دوباره به مرکزت باین مردم فقیر و گرسنه شب نشینها بودند و پارتنهای مجلل
 ... همه کتکهای مردم هر به دلخواه دولت و توسعه نیروشدن کثایات صرف ساختن
 و تأسیسات در آنجا شد - اینها همه از مذهبند مردمی را به سر نه میگویند - مگر در نیرو
 و کارزین چه گذشت ؟ اکثر مردم فقیر و شریفه و نیرو کارزین بر اثر وسایل آشکاری مسئولین
 دورتر آوردهان میبردند و با آنها کتک نمیدادند و لی تنها روزی که شاه تنها برای یکساعت
 توقف در نیرو کارزین رفت موج هلی کوپتر سوار و محافظین و سایل به نیرو کارزین
 میاورد - اگر این همه سوار و سایل و هلی کوپتر در همان راههای اول زلزله بکشد این
 مردم میآمدند بسیاری زخمات پیدا میکردند - همه کتکهای که باین مردم شد از سرور مرد
 هلی و از مردم حبیبی بود و تلفیقات برای بیم و برادر و شنبه سر ...
 هواغریب را ... اند - اگر ادعای خدمت نمودم را میکنید خدمت شد ؟ تو عاقبت شد
 مردم شما با ایستاده در دل و جفا و از طرف مسئولین اداره خدمت شما شد
 شما میگفتید تعادل به خود آوردید - تعادل از آن را در تمام کشور حاکم ساختند

خدا در و کشید و حق را در آنجا آشکار کند و بی هدف از ابتدا جمع نموده است؟ از زمینهای
بر سر نه در که بعد از مدت آسوان در حاور میانه بزرگترین مدهاست جمع می شود میرسد -
سختین چندان بجزند - مازید تاویل از هزار تاویل است -
آرامش دادگاه به تمام کاری نداشته باشید - مدعی میگوید - من از شخص بخصوص نام
بردم نام او همه این رسیده در اختیار شما می آید از آن خارجی قرار گرفته است - هانس توتنی شما به
بازرگانه آلمانی در آن درجوه می آید - برای چه کسی؟ ایران مردم آمریکا - تازه همه این گفت
و کار میانه است و نیست - دل خود ترکند که لاف را کارگر را کار متعول میکند و میزد ما
مرد میزد -

لایه مدام برای بیان اهداف و آرمانهای خودمان حضرت در مورد آید تو نوری مورد اعتقادمان
نداشتیم - ما به اعمال انسان مقتضی - و تا کار انسان و جامعه انسانی را بزرگترین هدف
میدانیم - انسانی که در هر حال جهان از بدترین کثافت است - هدف از زندگی خودتون
و موانع است - بلکه در کلمات عالی الهی و مستندند چنین معانی است - هدف لقا الله
است یعنی رسیدن به بهترین درجات - کمال و صفات الهی - هدف ما فراهم آوردن جنان
شرایطی است که همه انسانها تحت آن شرایط به آخرین حد کمال و اسباب برسد - اگر انسان
برای بدست آوردن نعمت الهی به بهترین صورتها مشیت خود از این هدف عالی دور افتاده
است - هدف ما چیزی جز بهبود خلق و فراهم شدن هر گونه روایت طایفه اجتماعی و
انسانیت - انتم از ساختن - تعالیم عالیه اسلامی در جامعه نیست - جامعه ای آزاد - بی ضلالت
و تحریف - جامعه ای مآل ماست -

حق اینست - در این برای شما فکر درک نداشت و بی سخن میگویم بخود حق که مورد باشد
مورد بود شما قرار گیر - اگر چه بخوبی میدانم که شما چه میاندیشید - ما برای رسیدن چنین
هدف عالی و انسانی راهی جز سلطه حبیبیم - در جایی که هر ندای حق طایفه را دور سرگو -
و بخون کشیده میشود آیا راهی جز راه انقلاب مسلحانه - جز تو حل به خشک باقی - میباشد -
و حق و رهبر است - در میان بر طایفه را جمیع این موضوعات که مسئولین امر میاند کرد مانند صحبت

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

میزد - حرارتی غیر معمولی از این حیوانات در این دانه‌گاه مشاهده شد ؟ اگر چنین می‌بود
تجربیان می - دانستند - این حیوانات همانها هستند که در بعضی اوقات را به
بسیار از آنها را می‌بینیم ؟ بهر معلوم می‌شود که همه این کار و سرواژه این
است :

دانشان ما را می‌بینیم که در حقیقت مردم را می‌بینیم آیا
کسانی که در ماه ۱۰ هزاره سال حقوق داشته و در زندگی چیزی نمی‌دانستند و اکنون
حاکم و سرورند ؟ ... در این صورت که با همه اینها نمی‌توانند بی‌خود باشند ؟
بناظر سعادت خلق به زندگی درجه اول و به سختی و آسایش آنها که در این جهان
خلق باشند ؟ مگر اینها در زندگی خود را به سلامت می‌توانند در خدمت
فعالیات معنوی و در اتقایی زندگی می‌بینیم که تمام وسایل و مواد در آن جهان جاریه در
ایستادن و میلهای برای گرم کردن خود داشتند و از شدت سرما هیچ‌یک را نمی‌توانستند
میکنند و باید بگویند این در روز از پستان و مقداری پنیر تعاون می‌کردند ؟ تا کمتر خطر را بار
میگرم بکنن مردم هرگز هدف نمی‌ده است ، هدف ما عادت اول مردم نبوده است - ما فقط
فقط مردم را تشنه می‌بینیم که برای پیوند خلق جان کفای مردم را می‌بینیم - ما که
جان بر کفای همه خلق و در این خود خلق می‌بینیم جان می‌گویند - خائنین را معدوم می‌دانستند
خائنین کسانی هستند که حیوانات را می‌کشند ، آتشهای خاوری ، آتشگرهای خاوری و جان
روانهاشان را برای ما می‌کشند - و ... در حقیقت - لا اله الا ما جان و این مردم هستیم ؟
اگر این را بگویم ، در مورد انسانها می‌توانیم صحبت کنیم - در مورد انسانها
خائنین مردم و وکیل خداوند می‌بینیم که می‌کشند و در خدمت است اگر این نوع خائنین
داشته باشد - می‌توانیم بگویم - خائنین که از پستان تخم شده که این جان را ندارند
من خواهم روی هم خوابات می‌بینم که در این دنیا و این جهان ما که در
گرم و خنکی به نیکو - صفا - صمیمیت و احسان می‌توانیم می‌بینیم که در این دنیا و این جهان ما که در
بدای می‌توانیم به معلولها باید با شکر می‌توانیم شود - و برای می‌توانیم به شکر می‌توانیم به نیکو -

تا بحال طبقات نظامی فراوانی انجام شده است که ممکن است احتیاجاً لطافتی در این میان
 حال و جان مردم وارد شده باشد - در حالی که قبلاً هم تکرار نظام ما روی طبقات خود
 کلیه پستی‌های لای را برای جلوگیری از لغزش وارد آمدن مردم می‌گفتیم - ما بخاطر سعادت
 و آسودگی این مردم است که ما این حکم - و توبیخاً لغزش می‌آورد است و هر کس در آن جبهه است -
 همانطوریکه ما جان خود را و همه چیز خود را در راه انقلاب گذاشته ایم مردم هم طبیعتاً ممکن
 است در این میان چیزهایی را از دست بدهند - ولی ما اشیایمان را که از جانب مردم جانیگر
 ما وارد می‌شود نمی‌پذیریم - در گنجی بر خورده‌ایم که بین انقلابیون و پلیس‌ها داده است
 این پلیس‌ها داده است که چون مردم بنگاه شیرازی کرده است نه انقلابیون - این را همه شاهدین
 این ماجراها میدانند - خدا انقلابیون را بدو و تلوین‌ها را بدو تا حدی که از رو تن کنند و
 زخم با سیاست در او ضربت‌گاه این چنانچه را بگردن ما می‌اندازد - در هر صورت اگر
 لطافتی در حق طبقات ما مردم وارد شده است ما از بنگاه خلق ایران بوزن می‌خواهیم -
 در گنجی خود است ما را چشم به اشتباه ما می‌گردد - ما ایرانی هستیم و تاریخ سرشار
 از مبارزه و پیروز خود مختار می‌گردد - و در حالت هیچ کشوری را در مورد چنین خود نمی
 پذیریم و بعضی دلیل است که برای بریدن دست بیگانگان و غارتگران ایران است ما مردم
 در خانه از شکوه صحبت می‌کنیم - این شیوه رفتار همکاران شماست که جوانان انقلابی
 چنین ما را زیر شکوه پشیمان و ردیف می‌گویند - خود هر یک از زیر شکوه بود نام و
 فشار خود به جیبیه بود و - کینو آفریننده مردم - برای آگاه کردن من حقوق و شرکت
 در دادگاه بنگاه در جیروشان بود نام - ما با احقاق برتری خود را بدست می‌آوریم و یک‌ای از این
 حاضر بود و به این روش ^{بدو} شکوه خود حرکت می‌کردیم - ما همین تمام داشتیم یا تحت خود نشان
 در دهان خود را در کردیم - آیا نمی‌بینید - این با عفت و اجماع است که ما با حق می‌آید
 حق می‌آید - سر تا این شیوه صحبت است و بشیر و دیگر - یعنی جیبیه و انجود
 است که از این شکوه ^{بدو} نمی‌تواند - اما بدو است که برای افشای ما را که زیر شکوه
 حق می‌آید - من بخاطر می‌دانم که برای این شکوه در دهان دادگاه ما نیست نه است
 حکم است که ما می‌توانیم و به ما می‌آید -

جاودان باد خاطره تابناک شهیدان رزمنده خلق

از استعاره

کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی

پهمن ماه ۱۳۸۱